



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۳۶

تاریخ: ۱۴/۱۰/۱۳۹۹

درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

موضوع: ادامه جمع بندی و بررسی اقوال علما در مورد مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع

استاد: محمد سعید واعظی حفظه الله

بسم الله الرحمن الرحيم و صلى الله على محمد و آله الطاهرين و اللعن الدائم على اعدائهم اجمعين

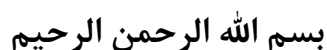
چند نکته در مورد جلسه قبل:

۱. مرحوم امام خمینی قائل به تفصیل در اموال عمومی بودند، و گویا در ضمن این تفصیل شخصیت حقوقی دولت جائر را تا حدودی پذیرفته بودند، این گونه که در مثل اراضی خراجیه و جزیه که تعیین میزان آن توسط سلطان صورت می گیرد، مستفاد از ظاهر ادله‌ای که این خراج و جزیه‌ها را نافذ می‌داند، را این می‌دانند که مومنین باید آن‌ها را به سلطان (که آن‌ها را بر شخص قرار داده) و نه به امام و حاکم شرع پرداخت کنند. اما در مورد اموالی مانند زکات که در خود شرع حد آن مشخص شده، نه تنها ادله چنین ظهوری ندارد بلکه مفاد برخی روایات لزوم پرداخت به امام و ولی شرعی در صورت امکان است (چنانچه قاعده اولیه هم در مساله چنین است).

نکته‌ای که در صدد بیان آن هستیم این است که اگرچه مرحوم امام مساله را فقط در مورد خراج و جزیه مطرح فرموده‌اند ولی ملاکی که بیان کرده‌اند عام به نظر می‌رسد، به عبارت دیگر می‌توان گفت مطابق نگاه ایشان هر چیزی که شارع برای آن حدی را مشخص نکرده‌است، ولو مال الخراج یا جزیه نباشد، باید به سلطان تحویل داده شود. به طور مثال در مورد اموالی مانند گاز، نفت، برق و... که از اموال عمومی و انفال است و قیمت آن توسط سلطان تعیین می‌شود، باید بگوییم لازم است عوض به سلطان پرداخت شود و ولایت یا مالکیت آن با دولت جائر است. شاید این نکته باعث شده باشد تا برخی قول به مالکیت دولت‌های جائر را به مرحوم امام نسبت بدهند، چراکه معمولاً درآمدهای دولت جائر از این طرق تامین می‌شود و نه از طریق وجوهات شرعیه‌ای مانند خمس و زکات.

۲. مرحوم آقای حکیم و مرحوم آقای خویی در منهاج الصالحین در مورد اراضی خراجیه بیان کرده بودند که تصرف در آن‌ها بدون اذن سلطان جایز نیست (ولو حاکم شرع اجازه بدهد). شاید دلیل ایشان نیز مانند بیانات مرحوم امام، ظاهر روایات در تنفیذ مال الخراج در چنین زمین‌هایی باش، که در این صورت ممکن است گفته شود ملاک آن منحصر در اراضی خراجیه نیست، بلکه در مورد هر چیزی است که تعیین آن به دست دولت است.

۳. در مجموع با توجه به بررسی‌هایی که انجام شد، دلیل صالحی برای اثبات مشروعیت شخصیت حقوقی دولت‌های جائر پیدا نکردیم، و بیان شد که ادله‌ای که ناظر به تنفیذ تصرفات آن‌ها است، از قبیل امضای تصرفات غاصب فضولی توسط مالک یا ولی شرعی است که بدون این که غاصب فضولی مشروعیتی پیدا کند، تصرف مورد نظر با اذن و اجازه امام و ولی شرعی به خود امام و ولی شرعی انتساب پیدا می‌کند.



درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

جلسہ: ۳۶

تاریخ: ۱۴ / ۱۰ / ۱۳۹۹

موضوع: ادامه جمع بندی و بررسی اقوال علما در مورد مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع

استاد: محمد سعید واعظی حفظہ اللہ

حضرت آیت الله مکارم حفظه الله از مراجع به مناسبت در مورد مالکیت و ولایت و شخصیت حقوقی دولت‌های جائر مطالبی را مطرح فرموده‌اند و قائل به مالکیت دولت شده‌اند که ظاهراً مراد ایشان دولت جائر است، چراکه در مالکیت دولت عادل (امام و نائب امام) شک نیست.

توضیح آنکه ایشان در یک نگاه کلان با توجه به سیره عقلا (که مورد ردع شرع نیز قرار نگرفته است) قائل به مشروعیت شخصیت‌های حقوقی به طور کلی و از جمله دولت شده‌اند. در مورد استدلال به سیره برای اثبات مشروعیت شخصیت‌های حقوقی، مطالب مفصلی سابقاً بیان شد و در مجموع نتوانستیم یک سیره عمومی (در مورد تمام شخصیت‌های حقوقی) متصل به زمان معصوم علیه السلام ولو به نحو ارتکازی را احراز کنیم (الا در موارد خاص، مانند دولت، وقف، مسجد).

سپس ایشان به این مناسبت وارد بحث مالکیت دولت به عنوان یکی از شخصیت‌های حقوقی پذیرفته شده عند العقلا شده‌اند و برای دولت ولو جائز باشد به استناد سیره عقلا دارای شخصیت حقوقی و ولایت شرعی بر اموال عمومی می‌دانند. دلیل عمده‌ای که در ادامه مطرح می‌کنند لوازمی است که عدم پذیرش ولایت دولت جائز در تصرفات به دنبال دارد به گونه‌ای که هیچ عرف یا فقیهی نمی‌تواند به آن‌ها ملتزم شود.

ایشان در جلسه ۵۹ مورخ ۱۳ دی ۹۵ ذیل کتاب الشرکه^۱ مطالبی را طی هشت نکته به عنوان جمع‌بندی جلسات قبلشان مطرح کرده‌اند که در ادامه بخش‌هایی از آن می‌آید:

«اول اينكه :الشخصية القانونية امر اعتبارى ثابت بين العرف و العقلاء بل تدور عليها امور الاقتصاد فى جميع العالم و قد امضاه الشارع المقدس و كان له بعض المصاديق فى السابق. (مانند مالكييت بيت المال)

دوم: عنوان الحكومة من هذا الباب (يعنى سيره شامل حكومت نیز می شود) و يمكن اثبات الملكية له و لا مانع لها (مقتضى که سيره است موجود است و مانع که ردع شارع باشد مفقود است)»

همانطور که سابقا اشاره شد اگر مقصود از دولت، دولت عادل (امام و نائب امام) باشد نه تنها سیره داریم (در مورد حکومت پیامبر و امیرالمومنین)، بلکه نصوص شرعی در این رابطه داریم مانند آیه انفال (قل الانفال لله و للرسول..)، ولی اگر مراد مطلق دولت-ها (ولو جائز) باشد، نه تنها دلیلی نداریم بلکه دلیل بر خلاف آن داریم مانند ادله‌ای که از مخالطه با آن‌ها بر حذر داشته‌اند. امضای تصرفات هم چنانچه گذشت، از باب امضای کار غاصب فضولیه است.



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۳۶

تاریخ: ۱۴/۱۰/۱۳۹۹

درس: ماهیت شخص حقوقی و احکام آن

موضوع: ادامه جمع بندی و بررسی اقوال علما در مورد مشروعیت شخصیت حقوقی دولت نامشروع

استاد: محمد سعید واعظی حفظه الله

نکته سومی که ایشان می فرمایند این است: «لحکومات اموال مختلفة، تارة يكون بعض الاموال لشخص الرئيس او المَلِك قد ملكها من طرق مشروعة او غير مشروعة و اخرى اموال للحكومة من طرق الحلال و هي كثيرة و في ايامنا اكثر من كل زمان (مانند تجارت، صنایع مختلف مانند صنعت گردشگری) و ثالثة يكون اموال للحكومة من طريق الظلم و اخذ حقوق الناس. اما ما كان من طريق الظلم فاللازم عودها الى صاحبها و على فرض عدم المعرفة بحال المالك الواقعي يكون مجهول المالك. (مثلا اموالی اشخاصی که در حکومت سابق بودند از باب مجهول المالك بوده زیرا از طریق مظالم پیدا شده و مالکان واقعی آنها مشخص نبودند بنا بر این مصادره شدند تا در مصارف اموال مجهول المالك صرف شود.) و اما ما كان من طرق الحلال من التجارات و المعادن و الخدمات (آب و برق و غیره) فهو ملك للحكومة عندنا و اما عند المنكرين لمالكية الحكومة يبقى بلا مالک فيحكمون انها من المباحة الاولى يحل لكل حد استولى عليه و هذا مما لا يوافقه عقلاء اهل العرف من المسلمين و غیرهم».

اینکه ایشان اموال حکومت را به دو قسم حلال و حرام تقسیم فرموده اند، قرینه بر این است که مطالب ناظر به دولت جائز مطرح شده است یا حداقل شامل آن نیز می شود. در مورد اموالی که حکومت از طریق تصرفاتی در اموال عمومی که مورد امضای روایات قرار گرفته است، به دست آورده نمی توان از نظر تکلیفی این تصرفات را حلال دانست (چراکه حلیت آن مبتنی بر مشروعیت شخصیت حقوقی دولت است و گرنه دولت نه ید و قدرت حیات دارد و نه مالکیت یا ولایت بر اموال). در مورد این مطلب که اگر کسی مالکیت دولت جائز را قبول نکند لزوماً اموال عمومی را بلا مالک می داند، قابل قبول نیست چراکه مالک و ولی شرعی آنها یا عوض آنها، امام و نائب او است (حتی در مورد اموالی که با حیات تملک می شود، اگر با امضای امام و ولی شرعی قابل تصحیح باشد، این مطلب جاری است)، بنابراین نمی توان گفت طبق مسلک منکرین مالکیت حکومت تمام اموال دولت مانند مباحات اولیه می شود، بلکه بسیاری از آنها مالک (امام، مسلمین، فقرا، فی سبیل الله،...) و ولی شرعی (امام و نائب امام) دارند. بله، امثال آبها و ماهی های دریا از مباحات عامه است و التزام به آنها اشکالی ایجاد نمی کند.